Journal of Studies of Cultural Heritage Documents
ISSN: 2538-1644 | Volume 5, No. 1. Spring-Summer 2022

Mawqūfat of Timur Gorkani and Dār al-Siadeh of Kash

Mahnaz Rahimifar[1*]

1. Expert, Research Center of Linguistic, Inscriptions and Texts, Cultural Heritage and Tourism Research Center, Tehran, Iran

Recieved 2022/07/23 | Accepted 2022/11/1

Abstract

Amir Timur Gorkani (1336- 1405 AD), using Islamic law, established a government in which the progress of some Islamic traditions was provided. During this period, lots of efforts were done in terms of charity, especially waqf (charitable endowment). Appealing documents belonging to this period have remained. Historical sources with a description of the Mawqūfat of Timur have introduced him as one of the great people in terms of waqf. It seems there is no document showing him founding a waqf. Studying some historical documents, the main purpose of this research is to analyze the structure and content of the documents related to Amir Timur Gorkani›s endowments. In addition to using library and digital resources, this paper used the manuscript of Sarih al-Mulk kept in National Museum of Iran and Monsha'at of Abd al-Mu›min Munshi Samarqandi, kept in library of the Islamic Consultative Assembly. This was a descriptive-analytical research and its findings showed that although no documentary (paper) was found showing Amir Timur Gorkani's endowments, but by examining parts of Monsha'at of Samarqandi, data can be found about his Mawqūfat in Dār al Siada of Kash. Accordingly, it can be seen that Amir Timur sought to achieve political goals, including the domination of the Islamic world, by virtue of Islamic teachings, including endowment and promotion of them, as well as the respect and praise of the Imams, Sadat and Mashayekh.

Keywords: Amir Timur, Waqf document, Monsha'at of Abd al-Mu›min Munshi Samarqandi, in Dār al-Siadeh of Kash, Sarih al-Mulk

Copyright © 2020 Journal of Studies of Cultural Heritage Documents. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

Rahimifar, M.(2022). Mawqūfat of Timur Gorkani and Dār al-Siadeh of Kash. *Cultural Heritage Records Studies*, *2*(2), 16-25.

Corresponding Author: Mahnaz Rahimifar, Expert, Research Center of Linguistic, Inscriptions and Texts, Cultural Heritage and Tourism Research Center, Tehran, Iran. **Email:** m.rahimifar@richt.ir

دو فصلنامهٔ مطالعات اسناد میراث فرهنگی
شماره شاپا: ۱۶۴۴-۲۵۳۸ | سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

موقوفات امیرتیمور گورکانی و دارالسیادة کش

مهناز رحیمی‌فر[1*]

۱- کارشناس، پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۰

چکیده

امیر تیمور گورکان (۷۳۶-۸۰۷ ق) با بهره‌گیری از شریعت اسلامی، حکومتی را پایه‌گذاری کرد که در آن زمینهٔ ترقی برخی سنن اسلامی فراهم شد. در این دوره به انجام امور خیر، به‌ویژه وقف، توجه بسیار شد. وقف‌نامه‌ها و اسناد وقفی جالب‌توجهی از این دوره برجای مانده است. منابع تاریخی با شرح موقوفاتی از تیمور، او را یکی از واقفان بزرگ معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد تاکنون از موقوفات تیمور سندی به دست نیامده است. هدف اصلی این پژوهش ضمن بررسی برخی مدارک تاریخی موجود در این زمینه، معرفی و بررسی ساختاری و محتوایی اسناد مرتبط به موقوفات امیر تیمور گورکانی است. در این پژوهش، علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتال، از نسخهٔ خطی صریح‌الملک موزهٔ ملی ایران و منشآت عبدالمؤمن منشی سمرقندی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی استفاده شده است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است و یافته‌های آن نشان داد هرچند تاکنون از امیر تیمور گورکانی وقف‌نامهٔ مستند (کاغذی) یافت نشده است، ولی با بررسی بخشی از منشآت سمرقندی، می‌توان به وجود وقف‌نامه‌ای از امیر تیمور دربارهٔ موقوفاتش در دارالسیادة کش پی برد. بر این اساس می‌توان دریافت که امیر تیمور با تأسی به شعایر اسلامی، از جمله وقف، و ترویج آنها و همچنین احترام و اکرام ائمه، سادات و مشایخ، درصدد دستیابی به اهداف سیاسی از جمله تحت سیطره درآوردن جهان اسلام زیر لوای خود بوده است.

واژه‌های کلیدی: امیرتیمور، وقف‌نامه، منشآت عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی، دارالسیادة کش، صریح‌الملک

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی : دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

رحیمی‌فرد، مهناز (۱۴۰۱). موقوفات امیرتیمور گورکانی و دارالسیادة کش. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۲(۲)، ۱۶-۲۵.

* **نویسندهٔ مسئول:** مهناز رحیمی‌فر، کارشناس، پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، تهران، ایران.
پست الکترونیک: m.rahimifar@richt.ir

مقدمه

بررسی منابع تاریخی و مدارک به‌جامانده از دورهٔ تیموریان، نشانگر توجه خاص تیمور و جانشینان او به اسلام و ترویج شعایر مذهبی است. به جا ماندن شمار چشمگیری از بناهای مذهبی و عام‌المنفعه در مناطق مختلف ایران، خراسان و ماوراءالنهر که اغلب آنها وقف شده‌اند و همچنین وجود اسناد و مدارک وقفی، حاکی از توجه خاص به این سنت اسلامی در آن دوره است. هرچند منابع مختلف تاریخی از اقدامات خیریهٔ بسیار تیمور خبر می‌دهند، ولی تاکنون در این زمینه اسناد مکتوب، به‌ویژه اسناد کاغذی، یافت نشده است.

نسخ خطی با موضوعات خاص مانند صریح‌الملک بقعهٔ شیخ صفی و منشآت سمرقندی حاوی اطلاعات ارزشمندی در زمینه‌های مختلف تاریخی هستند. الزام رعایت قوانین اسلامی در زمان تنظیم اسناد وقفی، سبب شد این اسناد ویژگی‌های خاصی داشته باشند. ازاین‌رو می‌توان آنها را در زمرهٔ منابع معتبر تاریخی به شمار آورد.

یکی از اهداف این پژوهش تأکید بر اهمیت و نقش وقف‌نامه‌ها و اسناد وقفی به‌عنوان یکی از منابع دست‌اول تاریخی است. همچنین معرفی و بررسی ساختاری و محتوایی سندی مرتبط به موقوفات امیر تیمور گورکانی، یکی دیگر از اهداف این پژوهش را در برمی‌گیرد. این وقف‌نامه مربوط به «شهر کش ـ سبز» است.

امیر تیمور گورکانی در ۷۳۶ ه.ق در شهر کَش یا قَش دیده به جهان گشود. این شهر در ۸۰ کیلومتری سمرقند قرار دارد. تیمور در ابتدا تصمیم گرفت پایتخت خود را شهرکش قرار دهد؛ ولی درنهایت سمرقند را به پایتختی برگزید. پس از این اقدام، به‌علت تعلق خاطری که به شهر کش داشت، در آنجا باغ‌ها، پارک‌ها و کاخ‌های متعدد بنا کرد. امروزه شهر کش به شهر سبز تغییرنام یافته است و در حال حاضر منطقهٔ سمرقند و کش در تقسیمات جغرافیایی کشور ازبکستان قرار دارد.

در این پژوهش، علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بخش‌هایی از نسخ خطی صریح‌الملک بقعهٔ شیخ صفی‌الدین که شامل اسناد موقوفات بقعهٔ شیخ صفی است و عبدی‌بیگ آن را رونویسی کرده و نیز منشآت سمرقندی، با روش توصیفی ـ تحلیلی بررسی شده و همچنین از نظرات پژوهشگرانی مانند محمدتقی دانش‌پژوه، سید علی آل‌داود و عباسقلی غفاری‌فرد، بهره گرفته شده است.

امیر تیمور گورکان (۷۳۶-۸۰۷ ق)

امیر تیمور گورکانی بنیان‌گذار سلسلهٔ تیموریان یا گورکانیان (از کلمهٔ گورکن مغولی، به معنی داماد) بود و حدود یک قرن و نیم بر سرزمین‌های بسیاری سلطه داشت. نبوغ نظامی ـ سیاسی تیمور در پیروزی‌ها و فتوحات و کشورداری او نمایان است. فرهنگ و سنت‌های رایج چادرنشینی که در ذات او نهفته بود، در اخذ سیاست‌های نظامی و غیرنظامی و پیروزی‌های او سهم بسزایی داشته است.

لشکرکشی‌های نظامی تیمور به فراهم ساختن مواد و نیروی انسانی لازم، مانند انتقال دانشمندان، عالمان و هنرمندان، برای اجرای طرح‌هایش در زمینه‌های مختلفی که در نظر داشت، کمک فراوان کرد. این امر موجب شد، برخی شهرها از رونق اقتصادی برخوردار شده و مرکز فرهنگ و مطالعات اسلامی شوند و بسیاری از شاهکارهای هنری و معماری به وجود آید (آژند، ۱۳۷۸: ۹۳).

در این دوره، بردگان و غلامان، نقاشان، حجاران، معماران، کنده‌کاران و سنگ‌تراشان به پایتخت جدید فراخوانده شدند تا زیباترین ابنیه، به‌ویژه اماکن مذهبی را بنا کنند. بسیاری از این بناها جزو موقوفات درآمدند و زمین‌ها و املاک و اموال بسیاری وقف آنها شد (آزموده، ۱۳۵۰: ۵۹).

تیمور به‌شدت پایبند سنن مغولی بود؛ ولی درایت سیاسی او سبب شد از باورهای اسلامی در راستای اهداف سیاسی خویش بهره گیرد. تیمور برای دستیابی به اهداف خود به مباحث و مناظرات مذهبی تمایل پیدا کرد و با نمایندگان و متولیان دین اسلام، فقها، اعضای فرقه‌ها و مکتب‌های مذهبی و دراویش، روابط خاصی برقرار کرد. او برای سنت‌ها و مقدسات اسلامی احترام قائل بود و در این راه خیرات و مبرات بسیاری می‌کرد. از جمله ارادت خاصی به شیخ صفی‌الدین داشت و مزارع و دهاتی را حوالی اردبیل خرید و وقف مزار شیخ صفی کرد. همچنین آنجا را محل بست و تحصن شناخت و خراج ولایت اردبیل را به خاندان صفویه بخشید (مینورسکی،۱۳۳۴).

برخی متون تاریخی موقوفات اماکن مذهبی، رباط‌ها، قنات‌ها و لنگرهایی را که امیر تیمور گورکان وقف کرده، شرح داده‌اند. چنان‌که کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع السعدین و مجمع البحرین، برخی از موقوفات تیمور را جزو حوادث سال ۷۳۶ ه.ق آورده است (سمرقندی،۱۳۵۳).

به نظر می‌رسد تاکنون از موقوفات تیمور وقف‌نامه یا اسنادی مربوط به وقف به دست نیامده است. در صریح‌الملک بقعهٔ شیخ صفی‌الدین و منشآتی که از نصرالله بن عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی باقی مانده، اشاراتی به وقف‌نامه‌های تیمور شده است که در اینجا بررسی می‌شود.

وقف‌نامچه امیر تیمور گورکانی (۸۰۶ ق)

پیروان و مریدان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندانش، حمایت خود را از طرق مختلف به آنها ابراز می‌کردند. یکی از این راه‌ها که سبب توسعهٔ بقعه نیز شد، وقف اموال و املاک بسیار بود. درنتیجهٔ اهدا

و وقف املاک و مستغلات مختلف برای آستانهٔ شیخ صفی، تعداد بسیاری از اسناد، قباله‌جات، وقف‌نامه‌ها و اسناد مربوط به وقف و صورت‌حساب‌های خرید املاک و... در کتابخانهٔ آستانه گرد آمده بود (اختری، ۱۳۷۸: ۱۳۱). در زمان شاه‌طهماسب و شاه‌عباس، برای جلوگیری از پراکندگی مدارک و اسناد بقعهٔ شیخ صفی و ایجاد نظم و ترتیب در آنها و همچنین رسیدگی به درآمد و عواید املاک، توجه خاصی به جمع‌آوری، تنظیم و تدوین این اسناد شد.

طبق سند ش۲۶۳ بقعهٔ شیخ صفی، (شیخ الحکمایی،۱۳۸۷) و نسخ خطی صریح‌الملک بقعهٔ شیخ صفی (ریاضی،۱۳۷۴)، شاه‌طهماسب انجام این کار را به عبدی‌بیگ واگذار کرد. او یکی از شاعران معروف این زمان است که علاوه بر اشتغال به کار دیوانی، شعر نیز می‌سروده است (آل‌داود، ۱۳۷۴). عبدی‌بیگ در نسخهٔ خطی صریح‌الملک به‌تفصیل نحوهٔ تنظیم اسناد را شرح داده و موقوفات بقعه و املاک خانوادهٔ شیخ صفی را بالغ بر صدها دکان، خانه، کاروانسرا، حمام و قریه در تبریز و اردبیل و دیگر شهرها، همراه با اسناد آنها تدوین کرده است.

محمدطاهر اصفهانی نیز به دستور شاه‌عباس، براساس آنچه عبدی‌بیگ تهیه کرده بود، کار تنظیم و تدوین اسناد و قباله‌های بقعه را در این زمان ادامه داد.

مجموعه اسنادی که جمع‌آوری شده، در نسخه‌هایی تحت‌عنوان «صریح‌الملک» یا «سواد وقف‌نامهٔ شیخ صفی» شهرت یافته است. نسخه‌های شناسایی‌شده آستانهٔ شیخ صفی شامل پنج نسخه است که تمام آنها در دورهٔ صفویه تدوین شده‌اند. چهار نسخه از آنها در موزهٔ ملی ایران نگهداری می‌شود و یک نسخهٔ دیگر نیز در کتابخانهٔ ملی ایران است .

در صفحات پایانی نسخهٔ خطی صریح‌الملک بقعهٔ شیخ صفی با تاریخ ۹۷۵ق، بخشی وجود دارد که از نظر خط و زمان تحریر با دیگر صفحات متفاوت است. این بخش تاریخ نگارش و نام کاتب ندارد. عنوان آن «صورت وقف‌نامچه صاحبقران امیرتیمورکورکان» است. محتوای آن چگونگی پیدا شدن وقف‌نامهٔ امیر تیمور گورکانی از سوی شاه‌عباس در سال ۱۰۱۱ ق، هنگام فتح قلعهٔ اندخود شبرغان (در بلخ) است. برخی منابع تاریخی، از جمله تاریخ عالم‌آرای عباسی، ضمن شرح ملاقات‌های امیر تیمور با خواجه علی پسر شیخ صدرالدین (پسر شیخ صفی) به این وقف‌نامه هم اشاره کرده‌اند. این وقف‌نامه دربارهٔ زمین‌ها و روستاهایی است که امیرتیمور در تاریخ ۸۰۶ ق وقف بقعهٔ شیخ صفی کرده است. در روزگار امیر تیمور این موقوفات در اختیار خواجه علی قرار نگرفت و به این دلیل اولاد شیخ بر آن موقوفات دست نیافتند (ترکمان، ۱۳۳۴: ۱۶ و ۴ –۶۲۱).

ملاقات‌های شیخ‌علی سیاه‌پوش با امیر تیمور گورکانی و موقوفات او بر بقعهٔ شیخ صفی و وقف‌نامهٔ آن و نحوهٔ پیدا شدن آن ابهام تاریخی دارد و برخی از محققان با تجزیه‌وتحلیل تاریخی آن، سند را جعلی می‌دانند (غفاری‌فرد، ۱۳۸۷).

منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی

منشآت مجموعه‌ای از مسودات، عبارات و تصانیف، نوشته‌های منشیان و نامه‌ها است (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین، ذیل لغت منشآت) که در دوران مختلف تدوین شده و از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی ارزش و اهمیت بسیار دارد و حاوی اطلاعات مهمی دربارهٔ رویدادهای سیاسی و تاریخی، طبقات مختلف جامعه، اعتقادات دینی، فرقه‌های مختلف مذهبی، تشکیلات دیوانی و آیین مملکت‌داری، مقامات، مناصب و... است.

یکی از منشآت دورهٔ تیموری، منشآت عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی است. دربارهٔ شخصیت تاریخی او اطلاعات دقیقی در دست نیست (اورجی،۱۳۹۳). محمدتقی دانش‌پژوه در مقاله‌ای، مجموعه‌ای از منشأت و نامه‌های دبیران و کارکنان دیوان‌ها و مستوفیان (از سدهٔ ۸ تا زمان قاجار) را معرفی کرده است. او در این مجموعه به منشآت نصرالله عبدالمؤمن المنشی‌السمرقندی اشاره کرده و می‌نویسد:

«... نصرالله بن عبدالمؤمن سمرقندی منشآتی دارد که در آن نامه‌هایی از خود و فریدون عکاشه و تاج‌الدین ملک اختسان و خواجه نعمان‌الدین شیرازی معین‌الدین جامی و مرتضی اعظم و سیدمطهر شیرازی و خواجه شهاب‌الدین مسعود شیرازی و جلال‌الدین شاه خوافی و رشید وطواط و برهان‌الدین ابواسحاق کرمانی گذارده...» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۰).

نصرالله عبدالمؤمن المنشی‌السمرقندی این منشآت را برای شاهرخ (حکومت ۷۳۶–۸۰۷) تألیف کرده است و در قسمتی از آن (ص۱۰۷–۱۰۴) وقف‌نامهٔ شهر کش با عنوان «حکم تولیت وقف موقوفات دارالسیادة در شهر کش» وجود دارد. این منشآت که به خط نستعلیق نوشته شده، به قطع بیاض است و با شماره ۳۳۵ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (شماره‌های دیگر این نسخه س ۲۱۸)؛

«بنابراین احتمال نزدیک بیقین حاصل است که این مجموعه بخط مؤلف یا جامع آن یعنی نصرالله منشی‌سمرقندی است و با اینکه رقم و تاریخ ندارد پیداست نسخه بخطی از نیمه اول قرن نهم است»

و در ادامه چنین نوشته شده است:

«بهای این بیاض معادل بیست لیر طلای انگلیس است (تهران، به تاریخ نهم فروردین ۱۳۳۵) مهدی بیانی».

در فهرست مندرجات این منشآت،۲۱ عنوان آمده که در مقابل

برخی از آنها دربارهٔ محتویات آن توضیحاتی نیز نوشته شده است. بین این عناوین، ۱۱ منشآت، ۴ انشا، ۳ مکتوب و ۱ مکاتیب و مناشیر وجود دارد.

وقف‌نامهٔ دارالسیادة کش «حکم تولیت از طرف امیر»

«حکم تولیت از طرف امیر»، صفحات ۱۰۲ تا ۱۰۵ منشآت عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی را در بر گرفته است. این حکم حاوی اطلاعات تاریخی به‌ویژه در زمینهٔ دیوانیات است و در آن، ابتدا عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی ویژگی‌های امیرتیمور را شرح داده است. به اعتقاد او این ویژگی‌ها، تیمور را از سایر پادشاهان مستثنی و ممتاز کرده است. از جمله ویژگی‌هایی که او برمی‌شمارد عبارت است از:

پادشاهی دنیای اسلام:

در حکم تولیت از طرف امیر، امیرتیمور «پادشاه اسلام» قطب دنیا و دین، سلطان عرب و عجم و مروج شعایر اسلام در جهان معرفی شده است.

«...امّا بعد چون شکر منعم حقیقی بر افراد نوع انسانی واجب و متحتم است سیّما علی السلاطین که اسبغ الله تعالّی علیهم نعمه ظاهره و باطنه بندگی حضرت پادشاه اسلام ظل الله علی کافّه... مالک رقاب سلاطین العرب و العجم آخذ نواحی ملوک بر آفاق بالاستقلال المنفرد من بین السلاطین به کمال العظمه و... قطب الدنیا و الدین امان الزمان امیرتیمور گورکان... که به استقلال جهان مسخّر کرد و شعایر شرع و اعلام اسلام مرتفع و متظاهر گردانید...» (ص۱۰۲).

اکرام و احترام به ائمه، سادات و مشایخ:

منابع تاریخی، موارد متعددی را پیرامون توجه و علاقهٔ خاص امیر تیمور به ائمه و سادات ذکر کرده‌اند (حسینی‌تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۷).

از جمله سادات معروف این زمان، سید برکت است که نزد تیمور مقامی بلند داشت و در زمان او نظرات و احکامش بسیار نافذ بوده است. دربارهٔ شخصیت تاریخی سید برکت اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی او را از مردم باختر می‌دانند که در مصر حجامت می‌کرده و وقتی به سمرقند آمده خود را علوی معرفی کرده و بعضی او را اهل مکه و برخی دیگر اهل مدینه دانسته‌اند. او از معتمدان تیمور شمرده می‌شد و از منزلتی خاص برخوردار بود؛ چنان‌که به دستور تیمور سهمی از اندخوی خراسان را اقطاع او قرار دادند و آنجا در اختیار فرزندان و نوادگان سید برکت قرار داشت (ابن‌عربشاه، ۱۳۳۹: ۱۹).

در قسمت‌های مختلف حکم تولیت از طرف امیر، احترام و اکرام سادات و علما مشهود است. چنان‌که آمده است:

«... در تعظیم سادات و نقبا و توقیر ائمه و علما و احترام مشایخ و فضلا و اکرام منزویان زوایای تجرّد...». «... به ارباب استحقاق از جمله سلاطین روزگار و خواقین نامدار مستثنی و ممتاز بود خاص از برای سادات و اولاد سید کائنات علیه الصلوه و علیهم سلم...» (ص۱۰۳).

«... رأی ما چنان اقتضا کرد که مهما امکن به اساس افاضت خیرات و بناء اشاعت مبرّات که مثمر رفعت درجات و منتج وصول بغرف جنات است خلل و انهدام راه نیابد و قواعد رعایت جانب سادات و علما و مشایخ و صلحا و من تتبعهم فی الطریقه المسلوکه ابداً سرمداً ممهّد باشد...» (ص۱۰۴).

اشاره به برخی خدمات تیمور:

امیرتیمور علاوه بر احداث بناهایی چون مسجد، مدرسه، خانقاه و رباط و... که از شاهکارهای معماری آن دوره به شمار می‌رود، اقدام به آبادانی زمین‌های بایر کرد:

«... و انقطاع و اتصال نذور و تصدقات بسیار سقاع و اصقاع و تأسیس مبانی/ مدارس و مساجد و ترصیص قواعد اربطه و خوانیق و احیاء اراضی موات/ و اجراء انهار فی المفازات...» (ص۱۰۳).

انتصاب افراد لایق:

امیرتیمور پس از آگاهی از وجود افراد لایق، آنها را به کار می‌گرفت:

«... معرفت مقادیر اهل استعداد و تفویض مناصب/ به ارباب استحقاق از جمله سلاطین روزگار و خواقین» (ص۱۰۳).

همچنین در حکم تولیت از طرف امیر این موارد نیز آمده است: وقف‌نامه دارالسیادة کش، حکم تولیت و حکم عزل متولی سابق موقوفات تیمور و بخشی از وصیت‌نامهٔ امیر تیمور.

وقف‌نامهٔ امیر تیمور

در حکم تولیت دارالسیادة کش، از وجود وقف‌نامه‌ای آگاه می‌شویم که واقف آن امیر تیمور بوده است. تاریخ دقیق این وقف‌نامه ذکر نشده است. براساس آن، تمام خیرآباد بخارا و نصف خیرآباد سمرقند وقفِ دارالسیادة کش شده است. در این حکم می‌توان به برخی از جزئیات مندرج در وقف‌نامه پی برد:

شرط‌های وقف

در این حکم دربارهٔ شروط وقف آمده است:

«... که غلاتی که ازین موقوفات حاصل شود تمام ده سه او مادام که واقف مذکور در حیات باشد وقف باشد و بعد از

وفات او ده یک ملکی او وقف باشد و ده دو او مفوض باشد برای حاکم وقت ...» (ص۱۰۳).

همچنین در قسمت دیگر ذکر شده است که:

«... تعیین فرمودیم که نصف محصول خیرآباد سمرقند را بران وجه که مذکورست در وقف‌نامه در دارالخلافه سمرقند که مشهد و مروج سلطان سعید مغفورست انارالله برهانه کما اشترط الواقف فی الوقفیه بمصارف برساند...» (ص۱۰۴).

عزل مباشران و متولیان

این حکم به صراحت از عزل متولیان و مباشران سابق خبر می‌دهد و چنین می‌نویسد:

«... و دست تصرّف متولیان و مباشران اعمال که به‌حکم سابق منصوب بودند/ بعد ازین تفویض ازین موقوفات و محصولات مکفوف و ممنوع شد» (ص۱۰۴–۱۰۵).

انتصاب مباشر و متولی

براساس این حکم «خواجه جمال‌الدین افضل» به‌عنوان «شیخ» و «متولی» موقوفات منصوب می‌شود و در جای دیگر نیز او شیخ و متولی اوقاف مدرسه و خانقاه شاه اعلام می‌شود.

دراین‌باره چنین می‌نویسد:

«... بنابر حسن عقیدت خلوص و ارادات که بدودمان ولایت پناهی حلالی که به خالد بن الولید انتساب دانست تفویض کرد منصب شیخی و تولیت اوقاف مذکوره را بجناب معالی مآب مولانا اعظم ملاذ اعیان بر امم جامع المناقب و الفضایل خلف برأماجد بر اماثل کافل مصالح سادات و علما راعی جانب مشایخ و صلحا معین الفقرا مغیث الضعفا المفتخر بمفاخر ایّامه الدین و الدول خواجه جمال الملة و الدین افضل وثقی الله معابی/...» (ص ۱۰۳).

و

«... مع هذا منصب شیخی و تولیت اوقاف مدرسه و خانقاه پادشاه زاده عالمیان پشت و پناه اهل ایمان جامع ملکات الانسیه المتخصص با لتاییدات القدسیه خلاصه امتزاجات العناصر و الارکان الفایق علی السلاطین الماضیه بوفور المعدله و فرید الاحسان شجاع الدنیا و الدین امیرزاده محمد سلطان اعلی الله مکانه فی الجنان وخصّه بمزید الرحمه و الرضوان چنانک مشروط است در وقف‌نامه خاصه هم بجناب خواجه جمال الدین افضل زید افضاله تفویض کردیم...» (ص۱۰۴).

عدم مشارکت دیگران در تولیت

در این حکم قید شده که مباشران و افراد دیگر نباید در امور مربوط به اوقاف دخالتی داشت باشند و دراین‌باره می‌نویسد:

«... که هیچ آفریده درین مناصب مذکوره مشارک / و مساهم او نباشد و ابواب مداخلت و مزاحمت بر اغیار او مسدود باشد...» (ص۱۰۴).

موروثی بودن منصب متولی

در این حکم ضمن انتصاب متولی بر موروثی بودن آن تأکید، و گفته شده:

«... بعد از او این مناصب مذکوره علی هذا التفصیل ابداً سرمداً / به اولاد و اولاد جناب مولانا مشارالیه مفوض شد» (ص۱۰۵).

وظایف متولی

وظایف متولی در این حکم تعیین شده است: انجام شروط وقف؛ تلاش برای توسعه دادن بناها؛ نصب کارگران و مباشران امین و عزل آنهایی که دیانت و امانت ندارند؛ تلاش برای افزایش محصولات. همچنین تأکید شده که متولی باید به‌شیوه‌ای عمل کند که موجبات رضایت خدا و همگان را فراهم آورد.

وصیت واقف

واقف در قسمتی از این حکم وصیت می‌کند پس از مرگ در سمرقند دفن شود و متولی، نصف محصول خیرآباد سمرقند را براساس وقف‌نامه‌ای که در دارالخلافهٔ سمرقند نگهداری می‌شده است (شرط واقف)، برای آرامگاه او صرف کند (ص۱۰۴).

«... و وصیت کرد که این دارالسیاده که منزل ارباب سعادتست مشهد او باشد چون باقتضاء قضاء فلکی و ازدحام موانع ملکی امتثال وصیت / میّسر نشد مقام دارالخلافه سمرقند بآن شرف اختصاص یافت هذا / چون عنان عنایت ازلی بحکم قل اللهمّ مالک الملک تؤتی الملک من تشاء/ بدین جانب معطوف شد...» (ص۱۰۴).

«... تعیین فرمودیم که نصف محصول خیرآباد سمرقند را بران وجه که مذکورست در وقف‌نامه در دارالخلافه سمرقند که مشهد و مروج سلطان سعید مغفورست انارالله برهانه کما اشترط الواقف فی الوقفیه بمصارف برساند» (ص۱۰۴).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد تاکنون از امیر تیمور گورکانی وقف‌نامهٔ مستند (کاغذی) یافت نشده است؛ ولی با بررسی «حکم تولیت از طرف امیر» که بخشی از منشآت سمرقندی را تشکیل می‌دهد، می‌توان به وجود وقف‌نامه‌ای از امیر تیمور دربارهٔ موقوفاتش در دارالسیادة کش پی برد. براساس آنچه در قسمت وصیت‌نامهٔ او گفته شد، تیمور موقوفاتی در سمرقند داشته که وقف‌نامهٔ آن در دارالخلافهٔ سمرقند نگهداری می‌شده است. همچنین براساس محتوای این حکم، می‌توان دریافت که امیر تیمور با تأسی به شعایر اسلامی و ترویج آنها، از جمله وقف و همچنین احترام و اکرام به ائمه، سادات و مشایخ، درصدد دست‌یابی به اهداف سیاسی خود بوده است و خوانده‌شدن امیر تیمور در این حکم به‌عنوان پادشاه اسلام و سلطان عرب و عجم، به‌منظور تحت سیطره درآوردن جهان اسلام زیر لوای تیمور بوده است.

تعارض در منافع

میان نویسندگان هیچ تعارضی در منافع یافت نشد.

منابع

آزموده، ابوالفضل (۱۳۵۰). نظری بدو شهر تاریخی سمر قند و بخارا. *هنر و مردم*. ۱۳۵۰(۱۱۰).

آژند، یعقوب (۱۳۷۸). *تاریخ تیموریان به روایت کمبریج*. تهران: جامی.

آل‌داود، سیدعلی (۱۳۷۴). «نوشته‌های تاریخی عبدی‌بیک شیرازی». *فصلنامه تحقیقات اسلامی*. سال ۱۰، شماره ۱ و۲ (بهار و تابستان)، ص ۱۴۴-۱۲۱.

ابن‌عربشاه، احمدبن‌محمد. (۱۳۳۹). *زندگی شگفت‌آور تیمور*. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اختری، محمدعلی (۱۳۷۸). «گنجینه شیخ صفی‌الدین اردبیلی». *کانون*. ۴۳(۱۴)، ۱۳۶-۱۲۵.

اورجی، فاطمه، منوچهری، علی (۱۳۹۳). جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی‌سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیموری. *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۲ (۹۴)، ص۸۱-۶۰.

ترکمان، اسکندربیک (۱۳۳۴). *تاریخ عالم‌آرای عباسی. با اهتمام و تنظیم ایرج افشار*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

حسینی‌تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲). *تزوکات تیموری*. ج ۱. تهران: کتاب‌فروشی اسدی.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰). «دبیری و نویسندگی». *هنر و مردم*، ۹-۱۰ (۱۰۹)، ۵۲-۴۶.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.

ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۴). *فهرست میکروفیلم‌ها و نسخ خطی موزهٔ ملّی ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۵۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. به کوشش عبدالحسین نوائی. ج ۲. تهران: کتابخانه طهوری.

شیخ الحکمایی، عمادالدین (۱۳۸۷). *فهرست اسناد بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی (موجود در موزه ملی، سازمان اوقاف، کتابخانه ملی تبریز، بقعه شیخ صفی)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

شیرازی، عبدی‌بیگ (بی‌تا). صریح‌الملک؛ میکروفیلم شماره ۱۶۵۸. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۸۷). «خواجه علی و امیر تیمور گورکانی». *فصلنامهٔ تاریخ روابط خارجی*، شماره۳۴، ص۱۰-۱

معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

منشی‌سمرقندی، نصرالله بن عبدالمؤمن (بی‌تا). منشآت. شماره ۳۳۵ (۲۱۸). تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۴). *سازمان اداری حکومت صفوی*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انجمن کتاب.

بخش‌هایی از متن حکم تولیت از طرف امیر (ص ۱۰۵-۱۰۲)

« هذا حکم التولیه انشأه المحرّر نصرالله بنعبدالمؤمن المنشی السمرقندی بالاشارة / العالیة النافذة الصادرة ممن له الولایه

صفایع حمد و سپاس بی قیاس که در حیّز ادراک عقل حساس نیامد شکر و ثنا /.....

امّا بعد چون شکر منعم حقیقی / بر افراد نوع انسانی واجب و متحتم است سیّما علی السلاطین که اسبغ الله/ تعالّی علیهم نعمه ظاهرة و باطنة بندگی حضرت پادشاه اسلام ظل الله / علی کافّة.....

/مالک رقاب سلاطین العرب و العجم آخذ نواحی ملوک بر آفاق بالاستقلال / المنفرد من بین السلاطین به کمال العظمة و..... قطب الدنیا/ و الدین امان الزمان امیرتیمور گورکان...../..... به استقلال جهان مسخّر کرد و شعایر/ شرع و اعلام اسلام مرتفع و متظاهر گردانید و در تعظیم سادات و نقبا و توقیر ائمه و علما و احترام مشایخ و فضلا و اکرام منزویان زوایای تجرّد / و انقطاع و اتصال نذور و تصدقات بسیار سقاع و اصقاع و تأسیس مبانی /مدارس و مساجد و ترصیص قواعد اربطه و خوانیق و احیاء اراضی موات/و اجراء انهار فی المفازات و معرفت مقادیر اهل استعداد و تفویض مناصب/ به ارباب استحقاق از جمله سلاطین روزگار و خواقین نامدار مستثنی و ممتاز/ بود خاص از برای سادات و اولاد سید کائنات علیه الصلوه و علیهم سلم/ لاحراز السعاده ببناء دارالسیاده در بلده طیبه معموره کش اشارت/ فرمود و بعد مساعده التوفیق و التأئید از برای اعالی این بناء عالی به اتمام رسید/ بناءًعلی بقایه و احکاما لبنائه برین مقام مذکور دو موضع که تمام خیرآباد / بخاراست و نصف خیرآباد سمرقند و مشتمل است بر اراضی کثیره مشهوره / محدوده علی وجه التفصیل والتوضیح در وقف‌نامه که به اشارت نافذه بندگی حضرت / سلطان مغفور انارالله برهانه تحریر یافته و مسجّل گشته وقف کرد علی الوجه المشروع/ و تنصیص و تصریح کرد که غلاتی که ازین موقوفات حاصل شود تمام ده سه او/ مادام که واقف مذکور در حیات باشد وقف باشد و بعداز وفات او ده یک ملکی / او وقف باشد و ده دو او مفوض باشد برای حاکم وقت و بنابر حسن عقیدت/ خلوص واردات که به دودمان ولایت پناهی حلالی که به خالد بن الولید انتساب/ دانست تفویض کرد منصب شیخی و تولیت اوقاف مذکوره را به جناب معالی مآب / مولانا اعظم ملاذ اعیان بر امم جامع المناقب و الفضایل خلف برأماجد بر اماثل/ کافل مصالح سادات و علما راعی جانب مشایخ و صلحا معین الفقرا مغیث الضعفا/ المفتخر به مفاخر ایّامه الدین و الدول خواجه جمال المله و الدین افضل وثقی الله معابی/ لاسعاف ارباب المآرب و انجاح اصحاب الحوایج که باجاش خصال ملکی از اقران راجح و بر اعیان فائق بود شارطاً علیه رعایة الشرایط المذکورة و ایصال / محصولات هذه الموقوفات الی المصارف علی الوجه المذکورالمشروط/ طلباً لثواب الاخره معتمداً علی المواعید الاجله کما اقتضت همته العلیّه و سلطنته السنیه/ و وصیت کرد که این دارالسیادة که منزل ارباب سعادتست مشهد او باشد چون به اقتضاء قضاء فلکی و ازدحام موانع ملکی امتثال وصیت / میّسر نشد مقام دارالخلافه سمرقند به آن شرف اختصاص یافت هذا / چون عنان عنایت ازلی به‌حکم قل اللهمّ مالک الملک تؤتی الملک من تشاء/ بدین جانب معطوف شد و عرصه بسیط ممالک و رقبه سرکشان در قید ربقه / تسخیر آمد و اشتات اسباب سلطنت و شاهی انتظام پذیرفت و شرف/ قصر سلطنت محاذی ایوان کیوان شد رأی ما چنان اقتضا کرد که مهما امکن به اساس افاضت خیرات وبناء اشاعت مبرّات که مثمر رفعت درجات و منتج وصول بغرف جنات است خلل و انهدام راه نیابد و قواعد رعایت جانب سادات و علما و مشایخ و صلحا و من تتبعهم فی الطریقة المسلوکة ابداً سرمداً ممهّد باشد/ بنابر این امضا آن حکم کرده جناب معالی مآب خواجه جمال الدین افضل را/ ادام الله افضاله نصب کردیم و تعیین فرمودیم که نصف محصول خیرآباد سمرقند را / بران وجه که مذکور ست در وقف‌نامه در دارالخلافه سمرقند که مشهد و مروج سلطان/سعید مغفورست انارالله برهانه کما اشترط الواقف فی الوقفیه به مصارف/ برساند و مع هذا منصب شیخی و تولیت اوقاف مدرسه و خانقاه پادشاه/ زاده عالمیان پشت و پناه اهل ایمان جامع ملکات الانسیه المتخصص با لتاییدات/القدسیه خلاصه امتزاجات العناصر و الارکان الفایق علی السلاطین/ الماضیه به‌وفور المعدله و فرید الاحسان شجاع الدنیا و الدین امیرزاده/ محمد سلطان اعلی الله مکانه فی الجنان وخصّهبمزید الرحمه و الرضوان/ چنانک مشروط است در وقف‌نامه خاصه هم به جناب خواجه جمال الدین افضل زید افضاله تفویض کردیم بر وجهی که هیچ آفریده درین مناصب مذکوره مشارک / و مساهم او نباشد و ابواب مداخلت و مزاحمت بر اغیار او مسدود باشد / و دست تصرّف متولیان و مباشران اعمال که به‌حکم سابق منصوب بودند/ بعد ازین تفویض ازین موقوفات و محصولات مکفوف و ممنوع شد/ ومن بعد نصب وعزل متولیان وعمال به استصواب رأی عقده گشای او/ باز گذاشتیم و بعد از او این مناصب مذکوره علی هذا التفصیل ابداً سرمداً / به اولاد و اولاد جناب مولانا مشارالیه مفوض شد و جناب مولانا مشار/ الیه رفع الله قدره به مزید المساعی نیز باید که به‌قدر الوسع و الامکان در ازدیاد/ عمارت این موقوفات و تکثیر محصولات و نصب اهالی عمّال و عزل/ مباشران اعمال که بدیانت و امانت متجلی نباشند به اصابت رأی اثار اجتهاد و مساعی به تقدیم رساند بروجهی که رضای خالق و رعایت جانب خلایق/ در آن مرعی باشد تا بمیامن ان عواطف و مراحم پادشاهانه در باره او/ متضاعف و مترادف گردد ان شاءالله تعالی سبیل سلاطین و امرا و اعیان / سلطنت و ارکان ملک و ملت و اصحاب دیوان و مباشران اعمال و معارف / و مشاهیر و ارباب و اهالی و عامّه رعایا و کافه برایا آنک مولانا مشارالیه را / درین مناصب ممد و مساعد باشند و در تقدیم و ظایف تکریم و تبجیل او / دقیقه نامرعی نگذارند تا او به فراغ بال به تأیید و توفیق ذوالجلال با تمام آن مهام قیام تواند نمود برین جمله بروند و چون بطغرای سلطانی موقّع و موشّح/ گردد اعتماد نمایند و السلم علی من اتبع الهدی»

صفحاتی از منشآت نصرالله منشی سمرقندی- کتابخانه مجلس شورای اسلامی (http://dlib.ical.ir/site/catalogue/954669)

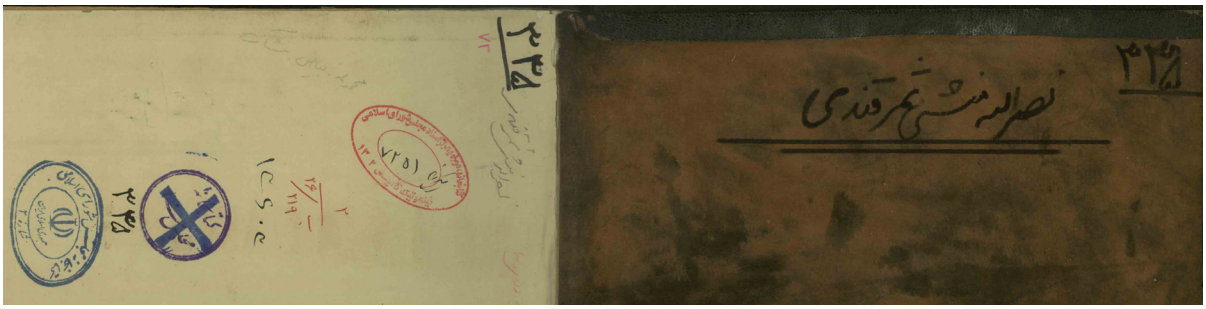

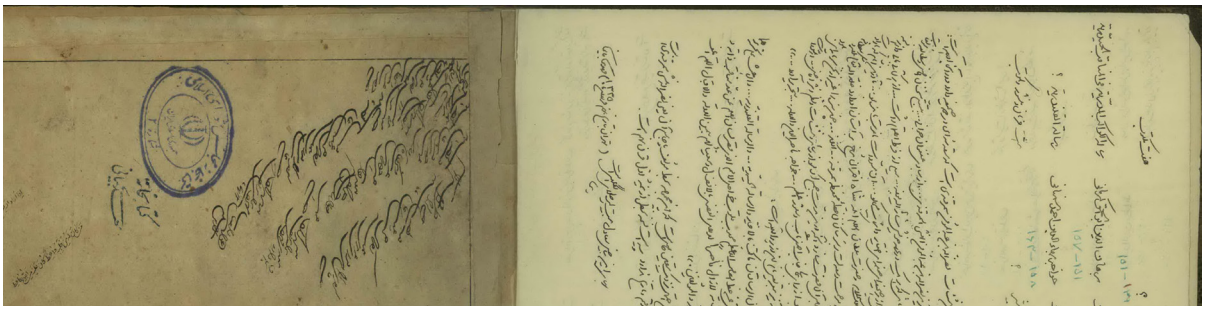

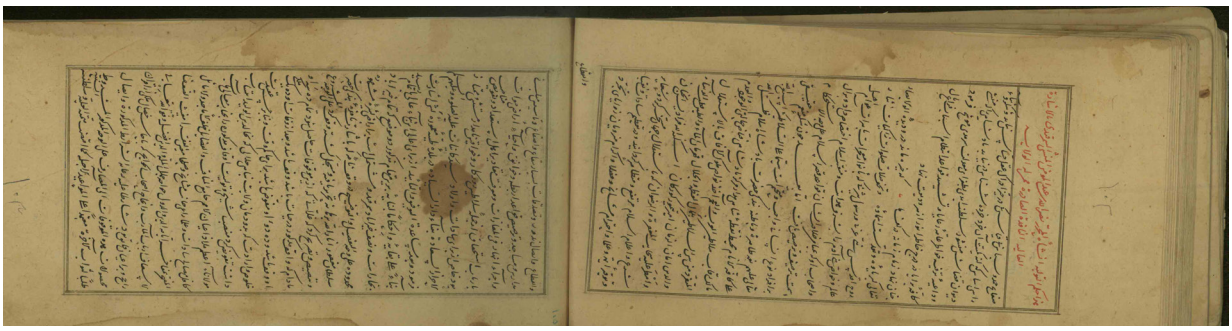

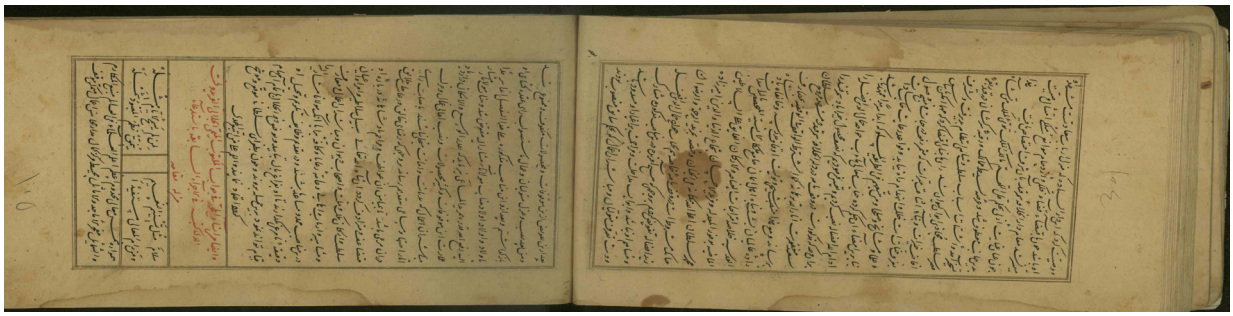

پی‌نوشت

۱. نسخه‌های صریح المک موجود در موزهٔ ملی ایران دارای شماره‌های ۳۷۱۸، ۳۷۱۹، ۳۷۰۷ و ۴۳۲۴ هستند و شمارهٔ میکروفیلم این نسخه‌ها در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ۱۶۵۶، ۱۶۵۸، ۱۶۵۵ و ۱۶۵۵ و شمارهٔ نسخهٔ عکاسی آنها در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ۴۴۹۷، ۴۴۹۸ و ۴۵۸۰ است.